

از مستراح‌های رومی تا دیجیتال



تصور ما از «توالت» تصویری مدرن مربوط به دنیای امروز است. مفهوم مصطلح امروزی آن که به مکان و فضایی اختصاصی که برای قضای حاجت عمومی طراحی و ساخته شده، اطلاق می‌شود، از قرن ۱۷ میلادی به بعد با تعریف و گسترش شبکه‌های فاضلاب شهری فراگیر شده است. مطالعات باستان‌شناسی به نمونه‌هایی از توالت باستانی در روم و مصر باستان می‌رسد که نشان از ویژگی‌های توالت دارد. نمونه‌هایی از این فضاها در دره باستانی رود سند هم در محل امروزی هند و پاکستان مشاهده شده و باستان‌شناسان به بقایای توالت‌های مجهز به سیستم فاضلاب اساسی در این منطقه برخورد‌ده‌اند. شاید خیلی بامزه به نظر برسد که هندی‌هایی که بیشتر از همه مردم دنیا مشهور به استفاده عمومی از کوچه و خیابان برای قضای حاجتند، جزء پیشروان استفاده عمومی از توالت عمومی در دنیای باستان بوده‌اند. سابقه نخستین توالت‌های مدرن (مجهز به سیستم فلاش و متصل به شبکه و محفظه فاضلاب) به سال‌های آخر قرن ۱۶ میلادی بازمی‌گردد. فلاش توالت برای نخستین بار در سال ۱۵۹۶ توسط جان هارینگتون طراحی و ساخته شد تا امتیاز و افتخار یکی از مهم‌ترین اختراعات مهم و فراگیر بشری، به نام این مهندس بریتانیایی به ثبت برسد. استفاده از این توالت مدرن تا سال‌ها فقط مختص اشراف و طبقه مرفه در انگلستان بود. اما هم‌زمان با فراگیر شدن مدرنیته در میانه‌های قرن نوزدهم و مدرن شدن شهرهای اروپایی، رفته‌رفته دامنه استفاده از آن گسترده‌تر شد و خانه شهرنشینان اروپایی مجهز به توالت شد. توالت‌ها از آن تاریخ به بعد تغییر محتوایی زیادی نکردند، اما دیتیلی‌ها (جزئیات‌ی توالت‌های آنها مثل شکل و شمایل صندلی‌ها و کانسه‌های چینی دستخوش تغییرات زیادی شد. با مرور زمان توالت‌های بومی هم، که اکثراً تفاوت‌های اساسی با سیستم توالت مدرن غربی‌ها دارند، خود را تسلیم مدرنیته کردند و تلاش کردند خود را با الگوها و توالت‌های نشسته و چمباتمه به سیستم فاضلاب، از طریق شبکه عمومی و محفظه سپتیک بود. با این حال این تجربه مدرن فاقد سابقه تاریخی نبود. به عنوان مثال در همین کشور خردمان، حفر چاه و کوره فاضلاب برای توالت‌های خانگی قدیمی دیرینه دارد و ساز و کار شست‌وشوی بهداشتی از طریق وسایلی نظیر آفتابه به زمان‌های قدیم برمی‌گردد. مطالعات تاریخی و باستان‌شناسانه نشان می‌دهد توالت‌های ایرانی در زمان‌های خیلی قدیم و در دوره زمامداری هخامنشیان چیزی شبیه توالت‌های غربی امروز بوده است و بعد از حمله مغول‌ها توالت‌های چمباتمه که اجداد مستراح‌ها و توالت‌های امروزی بوده‌اند، به عنوان میراث از شرق دور به کشور ما آمدند.

سابقه تاریخی توالت عمومی، اما به مراتب مهم‌تر از سابقه خود توالت است. شاید بتوان آثار به جا مانده از چاله‌هایی را که در یکی از مناطق باستانی روم به جا مانده، جزء نخستین توالت‌های عمومی به حساب آورد، اما در طول تاریخ کمتر می‌توان نمونه‌هایی مشابه از فاضلاب‌های عمومی برای قضای حاجت در دل شهرها پیدا کرد. به هر حال آن روزها شهرها کوچک بوده و فاصله میان خانه و محل کار، مثل امروز طولانی نبوده است. تازه اگر خیلی شرایط خاصی پیش می‌آمد و مشکلاتی جدی دامنگیر کسی می‌شد، آنقدر فضای باز باقوه وجود داشت، که حاجتی به توالت عمومی نبود. اما رفته‌رفته با مدرن‌تر و بزرگ‌تر شدن شهرها، نیاز به ساخت فضاهایی خاص برای حل مشکل مردم، بیش از پیش خودنمایی کرد. از یک سو پیدا کردن فضایی باز و ساکت که کسی نتواند آدم را ببیند، به سادگی گذشته نبود. از سوی دیگر شهرهای مدرن آلودگی‌های طبیعی فضولات انسانی را برنمی‌تابیدند. بنابراین نخستین ساختمان‌های توالت عمومی با خشت و آهن و سیمان، در گوشه و کنار شهرها سر برآوردند تا در صورت لزوم، به ساده‌ترین حالت ممکن، مشکلات عمومی مردم را در کوچه و خیابان حل کنند. توالت‌های عمومی امروز جزء لاینفکی از زندگی شهری ما هستند که نمی‌توان بدون وجود آنها، در خیابان‌ها و پارک‌ها و حتی جاده‌های بین‌راهی

صبح را به شام رساند. اهمیت این توالت‌ها و کارکرد مشترک آنها باعث شده همه آنها ویژگی‌های مشترکی داشته باشند. مثلاً همه جای دنیا، با هر فرهنگی، سرویس‌های جداگانه‌ای برای زنان و مردان در توالت‌های عمومی وجود دارد. امروزه بیشتر توالت‌های عمومی به صورت پویی به صورت دستی یا الکترونیکی اداره می‌شوند. به هر حال هزینه سنگین تعمیر و نگهداری و مسوولیت دشوار نظافت توالت‌های عمومی منجر به این شده که در بیشتر کشورهای دنیا، در غالب توالت‌های عمومی در ارای گرفتن پول مشخصی باز شود.

این طرح از اواسط قرن بیستم در انگلستان اجرا شد به گونه‌ای که امروزه عبارت «یک پنی» خرج کردن در بعضی مواقع، به جای واژه توالت رفتن در زبان انگلیسی استفاده می‌شود. این روزها نوع دیگری از توالت‌های عمومی سیار هم در کشورهای مختلف رایج شده است. این توالت‌های سبک پرتابل که می‌توان به سادگی آنها را به این طرف و آن طرف حمل کرد، به راحتی به سیستم فاضلاب شهری یا سپتیک و سیستم آب شهری متصل می‌شوند. این توالت‌های کوچک را به راحتی می‌توان در فضایی کوچک مثل ساحل دریاچه، یا گوشه و کنار خیابان‌های پارک قدیمی جای داد تا مبادا مشکلات فنی ساخت توالت‌های عمومی بزرگ مانع وجود توالت در همه نقاط شهری باشد. در ایران اما جایگاه توالت‌های عمومی آنقدرها هم در تالیسیات شهری مدرن جدی نیست. تا پیش از ساخته شدن توالت‌های عمومی، وضوخانه‌های مساجد بیشتر از سوی مردم مورد استفاده قرار می‌گرفت. از این رو نیاز به ساخت توالت‌های عمومی چندان نیاز جدی نبود. نخستین توالت‌های عمومی شهری در پارک‌های شهری، با ساده‌ترین معماری ساخته شدند. با توجه به اینکه عمدتاً این توالت‌ها به صورت مجانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، معمولاً

حال و روز خوبی به لحاظ نظافت و بهداشت نداشتند. از این رو حتی با احداث بسیاری از این توالت‌ها، استقبال عمومی از آنها چندان خوب نبود. بی‌توجهی در رسیدگی به این مکان‌های عمومی شهری، باعث شد حتی اغلب توالت‌های عمومی به نقاط کور و ناامن شهری و محلی برای اجتماع معتادان تبدیل شوند. مردم تهران هنوز هم ترجیح می‌دهند تا جای ممکن گذرشان به توالت‌های عمومی نبفتد و به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که مجبور به مراجعه به این مکان‌ها نشوند. شاید این‌طور به نظر برسد که این بی‌میلی به استفاده از توالت عمومی منحصر به نحوه نظافت یا نامنی توالت‌ها باشد، اما واقعیت این است که عوامل دیگری مثل موقعیت مکانی و شهری این توالت‌ها اغلب به گونه‌ای است که برای مراجعه به آنها موانع دیگری هم به وجود می‌آیند. خیلی از اوقات توالت عمومی را بلندترین نقطه سربالایی ناهموار یک پارک قرار می‌دهند، به گونه‌ای که آدم از خیر رفتن به آنجا می‌گذرد. گاهی هم آن را در چهارراهی شلوغ یا تابلوهای متعدد توقف مطلقاً ممنوع می‌سازند تا زمان پیدا کردن جای پارک، بیشتر از زمانی باشد که صرف رسیدن به خانه می‌شود. امروز توالت‌های عمومی پیشرفته‌ای در گوشه و کنار دنیا ساخته می‌شود. نمونه‌های مدرنی از این تجربه‌های مدرن در برخی توالت‌های عمومی در فرودگاه‌ها، برخی مجتمع‌های بین‌راهی و برخی نقاط شهری هم دیده می‌شود. اما هنوز این تجربه‌ها فراگیر نشده و اغلب مواردی خاص است؛ مواردی که حتیاً درباره آنها از دوسنان و آشنایان شنیده‌اید یا برای دیگران تعریف کرده‌اید که مثلاً فلان جا توالتی ساخته‌اند که به صورت خودکار پس از هر بار استفاده فضای توالت کاملاً تمیز می‌شود. امروز توالت‌های هوشمند مجهز به حسگر در حال گسترش عمومی و فراگیر شدن هستند. به زودی باید منتظر فراگیر شدن این نسل نو از توالت‌ها در ایران هم بود؛ توالت‌هایی که در آنها توانایی کنترل فشار خون و قند خون و درجه حرارت هم وجود دارد، توالت‌هایی که بر در آنها ساعتی دیجیتال جهت کنترل مدت‌زمان حضور کاربر نصب شده و دارای در اتوماتیک است، توالت‌های مجهز به سیستم گرمایشی، توالت‌هایی قابل حمل که می‌توان آنها را در خودرو نیز جاسازی کرد، توالت‌هایی با قابلیت ایجاد صدای مصنوعی سیفون جهت پوشش سر و صدا و...

۱۲۶ شهر، آجر، سیمان



علی رجایی‌پور

هیچ ساختمانی توی شهر اینقدر مظلوم و مهجور نیست، که توالت‌های عمومی مهجور و مظلوم‌اند. مکان‌هایی دورافتاده که همه علم و آگاهی به اهمیت کاربردی‌شان دارند، اما حاضر نیستند هرگز به رسمیت‌شان بشناسند و حق مطلب را در موردشان ادا کنند. مگر از سر اضطرار باشد که کسی گوشه چشمی به توالتی گوشه‌افتاده در خیابان ببینداز، وگرنه کیست که تا آخرین حد ممکن فشار را تحمل نکند، بلکه به خانه برسد؟ کدام مدیر شهری است که حاضر است اعتبار مدیریتی خود را پای ساماندهی توالت‌های عمومی هزینه کند و بی‌آنکه چشم به منفعتی سیاسی و مدیریتی داشته باشد، نقد و طنز گزنده منتقدانش را به جان بخرد؟ کدام مهندس معمار و گروه معماری معتبری را می‌توان سراغ گرفت که ذوق و اعتبار معماری‌شان را تسوی توالت‌ها بریزند و به جای طراحی برج و بارو و گالری و نمایشگاه، توالت عمومی طراحی کنند؟ البته بودن که هست، اما انگشت‌شمار، آن هم با کلی معذرت و محذورت.

سال‌ها پیش وقتی سازمان زیباسازی شهرداری تهران، پروژه ساخت «سرویس‌های بهداشتی نسل نون» را در بعضی مناطق تهران در دست گرفته بود، نگارنده در شرکتی استخدام شده‌م که پیمانکار ساخت ۱۳ باب و

۱۲۶ پلاک ۱

توالت یا گالری

در یکی از مناطق کوهستانی در منطقه فیجورد نروژ، یکی از شاهکارهای دراماتیک معماری در یک منظر طبیعی جلب توجه می‌کند؛ ترکیبی خوشایند از شیشه، بلوک‌های چوبی و بتنی که روی لبه نمایی سنگی قرار گرفته و ساختمانی را در ذهن تداعی می‌کند که انگار یک گالری هنری است؛ گالری‌ای که هوشمندانه، متناسب با منظر طبیعی کوهستان طراحی شده و چشم را خیره به خود می‌کند. این اثر چشمگیر اما چیزی جز یک توالت عمومی دوچشمه نیست. این توالت کار مشترک دو معمار نروژی تامی ویلهلمسن و تات ساندرز است. به گفته خود این دو آرشیستیکت زمان زیادی صرف طراحی این اثر شده، درست مانند زمانی که صرف طراحی یک گالری هنری می‌شود. این ساختمان به قدری زیباست که کسی باور نمی‌کند توالت عمومی است. رنگ تیره و روشن ساختمان توالت عمومی اورلند، کنتراست خاصی با فضای منطقه ایجاد کرده است.

اگر گذراتان روزی به نروژ و منطقه فیجورد افتاد، حتماً س سری به این توالت بزنید و لاقال تماشای آن را از دست ندهید.

۱۲۶ پلاک ۲

توالت با خیال راحت



گروه معماری ایوا جریکنا، اخیراً پیشنهاد ساخت توالت‌های کوچک پیش‌ساخته‌ای را داده‌اند که می‌توان به راحتی آنها را از کارخانه به هر نقطه‌ای از شهر برد و برپا کرد. این توالت‌های کم‌حجم شامل بخش‌های مردانه، زنانه، معلولان و ویژه والدین و کودک طراحی شده. ظاهر خوشایند این توالت‌ها چهار استوانه رنگی است. پوشش دوجداره‌ای که مجهز به عایق صوتی و حرارتی است این استوانه‌ها را از هم جدا کرده. این عایق‌ها خیال آدم را توی این توالت‌ها، از بابت آبروریزی، تا حدودی راحت می‌کند. اما صدای موزیک و نور استوانه‌ها این اثر خوشایند را از بین می‌برد. وقتی یک یونیت از این توالت‌ها مشغول است، دیواره‌های استوانه‌ای آن می‌درخشد و موزیک ملایمی را پخش می‌کند تا همه متوجه شوند فلا یکی توی توالت دستش بند است. و این ترتیب در مرکز این توالت، بسته به موقعیت می‌تواند سازه‌های کاربردی یا تزئینی مثل باتری خورشیدی یا توربین بادی یا حتی مجسمه قرار بگیرد. سیستم فاضلاب این توالت‌ها هم درست از مرکز استوانه‌ها متصل به شبکه فاضلاب شهری یا سپتیک‌تانک است.

۱۲۶ پلاک ۵

توالت‌های هیروشیمایی

هیروشیما را به بمب‌های اتمی می‌شناسند. اما در روزهایی که معمارهای ژاپنی گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند، نباید تعجب کنیم که چشم‌مان اینجا هم به نام هیروشیما بیفتد. توالت‌های عمومی شکست‌های که به سفارش شهرداری این شهر در مناطق عمومی ساخته شده است، بی‌شک جزء معمارانه‌ترین توالت‌ها در تمام دنیاست. در و دیوار و سقف این توالت‌ها شیب‌دارند. روی دیوارها سوراخ‌های با اندازه نامنظم وجود دارند که شیار روی سقف را تکمیل می‌کند. شاید این سوراخ‌ها و شیار سقفی، در نگاه اول تزئینی و ذوقی فرمالیستی به نظر برسند، اما واقعیت این است که تاثیرگذاری محتوایی آنها به حدی است که شاید بتوان هنر معماری حساب‌شده این توالت‌ها را همین سوراخ‌ها دانست. نور طبیعی در روز به شکل خاصی از این سوراخ‌ها و شیار سقفی به داخل می‌تابد که واجد نوعی طرافت هنر ژاپنی است. در شب هم بازتاب نور داخل توالت در فضای بیرون حقیقتاً دیدنی است. ما ایرانی‌ها هم توی این توالت‌ها احتمالاً احساس بهتری خواهیم داشت، چرا که داخل آنها، توالت‌های سنتی ژاپنی‌که شبیه توالت‌های ایرانی خودمان است، تعبیه شده اگرچه هیچ گرمایشی مثل مال خودمان نیست و حس و حال غریب «مستراح» و حواشی و زوائش به‌خصوص شلنگ و آفتابه را ندارد.

هر کار کنی مستراح‌سازی

تجربه‌های موفق ساخت توالت‌های عمومی

مطالعات خوبی انجام شده بود. منطقاً توالت‌ها باید جایی باشند که هم مردم سواره و هم پیاده، در شرایط اضطرار بتوانند خود را سریع به آنجا برسانند. به جز توالت‌های میدان ونک و چند توالت دیگر، برای بقیه می‌شد جای پارک سریع پیدا کرد، یا حداقل ماشین را دوبله کنار خیابان برای مدتی گذاشت...

خلاصه اینکه اینن توالت‌ها تجربه بدی در توالت‌سازی نبود. اما همین تجربه هم به رغم نوآوری‌های زیادی که داشت، باز تجربه‌ای مهجور بود. کمتر درباره آن صحبتی شد و کمتر معمار صاحب‌نظری درباره آنها ریویو و نقد نوشت. حتی شنیده شد که توی شهرداری هم واکنش‌های خوبی در این باره وجود نداشته و شرایط هرگز به آن سمت و سویی نرفته که طراحان مشاور و شرکت‌های پیمانکار و حتی سازمان کارفرما انتظار داشتند، چراکه شاید ما انتظار بیجایی داشتیم و پادمان نبود که توالت و توالت‌سازی و طراحی معماری توالت، با همه اهمیتی که داشت، هنوز در کشور ما مهجور و مظلوم مانده. نمونه‌هایی از تجربه‌های معماران خارجی در طراحی و ساخت توالت عمومی را در زیر می‌بینیم.



۱۲۶ پلاک ۲

توالت‌های دوقلو



توالت‌های عمومی معمولاً جاهای خوشایندی نیستند، اما اگر گروه معماری جان پاردی، آن را طراحی کرده باشد، باید کمی درنگ کرد و از تصور یک مکان تنگ و ترش و بدبو و کثیف فاصله گرفت. یکی از نمونه‌های کار این گروه که ظاهراً نخستین تجربه آنها در طراحی و ساخت توالت عمومی بوده، توالت‌های دوقلویی است که در خیابان نیواستریت شهر لیمینگتون در انگلستان قرار دارند. بیش از هر چیز ظاهر بیرونی ساده این توالت‌ها جلب توجه می‌کند. رواق و نورگیر وجود داشته باشند. رنگ این توالت‌ها هم متناسب با رنگ آجری ساختمان‌های اطراف، قرمز آجری است. گروه پاردی پروژه‌های دیگری را هم در شهرهای دیگر اجرا کرده که با وجود ویژگی‌های خاص و متمایز، خط مشترکی به‌خصوص در نما و نورگیر نما یا توالت‌های دوقلوی نیواستریت دارند.



۱۲۶ پلاک ۳

توالت آقای هرکول



یکی دیگر از پیشنهادهای توالت عمومی، پیشنهاد مجبرالعقول گروه معماری افای‌تی (FAT) است. تصورش هم سخت است. چگونه می‌توان توی توالتی که توی یک تندیس عظیم هرکول تعبیه شده، نشست و احساس خوبی داشت. در ورودی این توالت، کمی پایین‌تر از چانه هرکول واقع شده است. طراحان این توالت معتقدند این طرح نوعی برداشت طنز و در عین حال تلخ از دنیای مدرن و انسان بلا تکلیف است. کسی که به توالت عمومی می‌رود، آنقدر دچار استیصال و درماندگی شده که سر از آنجا درآورده. هرکول هم که نماد کلاسیک مفهوم قدرت و جبرگی بر درماندگی است. تضاد انسان مدرن بلا تکلیف میان استیصال و اراده معطوف به قدرت، آن هم در توالت عمومی، دیگر از آن حرف‌هاست. اما خب اگر این طرح پیشنهادی روزی اجرا شود، شاید خیلی‌ها تفسیرهای پیچیده‌تر از این هم برای آن به هم بیافند به‌خصوص اگر قرار باشد توالت‌های عمومی را در تیراز بالا، توی تندیس‌های بزرگ و کوچک اساطیر باستانی (هرکول و دیگران) بسازاند.

